

اهداف سفر شی به اروپا

در جریان سفر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به اروپا احتمالاً او باید متوجه شده باشد که برخی از نقاط اروپا از سفر پنج سال پیش او تاکنون به مکانی کاملاً متفاوت تبدیل شده است. دوران اوج جهانی شدن اقتصاد، زمانی که چین به‌عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری ضروری در نظر گرفته می‌شد، گذشته است. در عوض، خلق و خوی رهبران اروپایی این است که «ریسک‌زدایی» کرده و سرمایه‌گذاری‌ها و زنجیره‌های تأمین را از دومین اقتصاد بزرگ جهان دور کنند. با توجه به اظهارات او در پاریس، به نظر می‌رسد که ارزیابی پکن از اروپا نیز تغییر کرده است. اما شی به همان اندازه به اتحادیه اروپا هشدارهای سختی در مورد حمایت‌های تجاری اروپا و موضع دیپلماتیک فعلی آن داد. به گفته خودش، او انتظار دارد که «نهادهای اتحادیه اروپا دیدگاه درستی در مورد چین داشته باشند». این موضع یک رویه بی‌سابقه برای چین در مقابل اتحادیه اروپا است. به‌رغم احساس خشنودی او از هر سه کشوری که به آنها سفر کرده، ایجاد آشنی در جبهه‌های اقتصادی، دیپلماتیک چندان ساده نیست. این دشواری تا حد زیادی به دلیل توسعه سیاست داخلی و اقتصاد چین و اروپا و جنگ مداوم در اوکراین است. بنابراین هدف اصلی سفر شی جین‌پینگ به اروپا، محدود کردن خسارت و ممانعت از بدتر شدن روابط با اروپا است. چین دوست ندارد که روابط با اروپا به اندازه روابط با آمریکا تیره شود. شی همچنین به دنبال سوءاستفاده از اختلافات در اروپا در مورد روابط اوکراین و ایالات متحده است. در مسائل اقتصادی، چین فاطلعه‌ها سیاست‌های صنعتی را دنبال کرده است که پکن را قادر می‌سازد تا زنجیره ارزش صادرات را بالا برده و خود را به‌عنوان یک قدرت تولیدکننده پیشرفته معرفی کند. به‌جای تولید اسباب‌بازی‌های ارزان، پکن می‌خواهد صادرات خودروهای الکتریکی، باتری‌های لیتیومی و پنل‌های خورشیدی به اروپا را آغاز کند. ما در دورانی به سر می‌بریم که اقتصاد چین در یک گذار دردناک قرار گرفته و مدل رشد خود را از اتکالی بیش از حد به بخش دارایی به حساب کردن بر صادرات تولیدی با ارزش افزوده بالا تغییر داده است. در این چارچوب اروپا بازاری حیاتی برای این کالاها خواهد بود. اما شرکت‌های چینی نیز در رقابت بی‌رحمانه‌ای با هم‌تایان اروپایی، هم در اروپا و هم در کشورهای در حال توسعه هستند. در پاریس، رئیس‌جمهور چین به شکایت اتحادیه اروپا درباره «مازاد ظرفیت» خودروهای الکتریکی و سایر بخش‌هایی که پکن مشتاق به دست آوردن موفقیت تجاری در آن است، توجه کمی کرد. این محصولات بخشی از به اصطلاح «نیروی مولد جدید» هستند که چین قصد دارد اقتصاد خود را با استفاده از آن به حرکت درآورد. اروپا که از تهاجم روسیه به اوکراین و اختلالات اقتصادی ناشی از کووید-۱۹ به‌هم ریخته است، در چنین شرایطی به‌طور جدی وابستگی بیش از حد اقتصاد خود به چین و سایر کشورها با دیدگاه‌های سیاسی متفاوت را بررسی می‌کند. نخبگان سیاسی اروپا نیز نگران از دست دادن مزایای اقتصادی بالقوه ناشی از رقابت چین با تولیدات پیشرفته خود هستند. ساده‌لوحانه است اگر فکر کنیم می‌توان با یک سفر پنج‌روزه دولتی شی به اروپا، تنش‌های ساختاری را از میان برداشت. در جبهه دیپلماتیک، همه چیز در بن‌بست باقی مانده است. برخی در اروپا امیدوارند که پکن مسیر جنگ در اوکراین را تغییر دهد تا آسیب واردشده به روابطش با اروپا را ترمیم کند. اما وقتی نوبت به امور خارجی می‌رسد، اولویت‌های چین به ندرت تغییر می‌کند. چین به‌طور سنتی سیاست عدم‌مداخله در امور داخلی سایر کشورها را دنبال می‌کند. این سیاست با منافع چین در حفظ ثبات و حاکمیت همسو است و توسط بسیاری از کشورهای جنوب جهانی مورد توجه واقع می‌شود. در همین حال، این کشور برای روابط نزدیک خود با روسیه ارزش قائل است. به‌ویژه اینکه هر دو کشور در مورد مداخلات غرب و رنجش از هژمونی ایالات متحده نگرانی مشترک دارند. اینکه پکن تا چه حد می‌تواند حمایت اقتصادی و دیپلماتیک خود را از روسیه با تمایل خود برای حفظ روابط پایدار با آمریکا و اروپا متعادل کند، بسیار نامشخص است. از فوریه ۲۰۲۲، پکن چندین بار تلاش کرد تا موضع خود را در مورد حمله به اوکراین با توجیه بازگو کند به این امید که از بدتر شدن مداوم روابط جلوگیری کند. تاکنون، دست‌آورد اصلی پکن در چشم کشورهای اروپایی نشان دادن تمایل برای جلوگیری از اقدام پوتین برای استقرار سلاح‌های هسته‌ای بوده است اما رهبران اروپایی نباید انتظار داشته باشند که چین در جنگ با آنها همراه شود. انتخاب شی برای سفر به فرانسه، صربستان و مجارستان آموزنده است و نشان می‌دهد که شی همچنین امیدوار است از این سفر خود برای ایجاد فاصله بین اروپا و ایالات متحده استفاده کند.



فیراص مکسد

تحلیل‌گر خاورمیانه
در مؤسسه خاورمیانه

چشم‌انداز توافق صلح بین عربستان سعودی به‌عنوان کشور متولی حرمین شریفین اسلام و یکی از ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان و مهمترین تولیدکننده انرژی در جهان، و اسرائیل، نزدیک‌ترین متحد آمریکا در خاورمیانه، به‌طور قابل درکی در مرکز توجهات تحلیلگران و مقامات بین‌المللی از جمله جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. بسیاری بر این باورند که به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی عربستان سعودی، راه را برای سایر کشورهای عرب و اکثریت جوامع مسلمان هموار می‌کند تا آنها هم با جای پای عربستان سعودی گذاشته و همین رویه را در پیش بگیرند. از نظر این دسته از تحلیلگران، این رویه می‌تواند کمک کند تا چندین دهه درگیری اعراب با اسرائیل پایان یافته و دولت یهودی در اسرائیل را با اقتصادهای منطقه ادغام کرده و سنگ‌بنایی باشد برای ایجاد یک صفت‌بندی منطقه‌ای جدید برای مهار ایران.

با این حال، پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، سایه احتمال عادی‌سازی عربستان و اسرائیل موجب شده برخی بیم آن را داشته باشند که این مسئله می‌تواند روابط عربستان و آمریکا را با چالش‌های ژئوپلیتیک مواجه کرده و کیفیت این رابطه را تیره‌تر کند. اما سوال این است که چرا جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، همچنان بر قمار ایجاد یک پیشرفت تاریخی در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی پافشاری می‌کند و انتظار دارد که این رابطه برای مقابله با نفوذ فزاینده چین و روسیه در منطقه تأثیر گذاشته و آن را به عقب براند؟ آن هم در حالی که دست یافتن به چنین نتیجه‌ای بسیار نامحتمل است.

اتحاد کابینه فعلی در اسرائیل راست‌گراترین ائتلاف در تاریخ اسرائیل است. اسرائیل همچنان درگیر جنگ با حماس است و اکثر اسرائیلی‌ها حماس را یک تهدید موجودیتی برای خود می‌دانند. در آن سمت فلسطینی با اختلاف نظر دیده می‌شود و در آمریکا نیز مقامات دولت بایدن مجبور خواهند بود طی چند ماه آینده تمام توجه خود را به رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا معطوف کنند.

بنابراین، در شرایط کنونی، بسیار بعید است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، مایل و قادر باشد با شروط و پیش‌نیازهای ارائه‌شده از سوی عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط موافقت کند. این پیش‌نیازها و شروط عبارتند از: آتش بس پایدار از غزه و پذیرش یک مسیر معتبر و غیر قابل بازگشت از سوی اسرائیل برای ایجاد صلح و به رسمیت شناختن یک کشور فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی.

در عین حال، ریاض و واشنگتن در آستانه انعقاد یک پیمان بزرگ‌تر و بسیار مهم هستند که پیامدهایی به دنبال خواهد داشت. این پیمان آنقدر مهم است که حتی در مقایسه با تأثیر عادی‌سازی روابط ریاض و تل‌آویو نیز مهم‌تر جلوه می‌کند. از این پیمان به‌عنوان یک معامله بزرگ یاد می‌شود و آنقدر اهمیت دارد که می‌تواند در مقیاس جهانی تغییری بزرگ ایجاد کند. در واقع این پیمان یک اتحاد استراتژیک گسترده است که برای جلوگیری از گسترش نفوذ چین و روسیه در خاورمیانه‌ای طراحی شده است که دیگر قلمرو انحصاری ایالات متحده محسوب نمی‌شود. این پیمان باعث می‌شود پادشاهی عربستان سعودی به‌عنوان یک قدرت متوسط

عکس: Gettyimages

کامران بخاری

تحلیل‌گر ارشد اندیشکده
ژئوپلیتیکال فیوچرز

به نظر می‌رسد که جنگ هفت‌ماهه بین اسرائیل و حماس به مرحله تعیین‌کننده‌ای رسیده است. در حالی که زمان پایان درگیری‌ها همچنان مبهم باقی مانده است، اما زمان آن فرا رسیده است که شرایط غزه پس از جنگ و اینکه پیامدهای چنین غزه‌ای برای منطقه چگونه خواهد بود را بررسی کنیم. نظم سیاسی که نزدیک به یک نسل در نوار غزه حاکم بود، پایان یافته است. نزدیک به ۲ میلیون فلسطینی آواره شده‌اند و طبق گزارش‌ها بیش از ۳۵ هزار نفر جان

نگاه
تحلیلگر
۱

توافق بزرگ میان عربستان و آمریکا از عاد

توافق بدون پیش

با نفوذ جهانی و یک قدرت سنگین وزن منطقه‌ای را برای دهه‌های آینده به شکلی خلل‌ناپذیر به ایالات متحده متصل کند. مقامات ارشد عربستان سعودی پیمانی که در حال مذاکره است را به‌عنوان یک قرارداد ازدواج انحصاری توصیف کرده‌اند. این پیمان نتیجه سال‌ها رابطه باز ایالات متحده آمریکا با عربستان سعودی بود که به وضوح ریاض از کیفیت آن ناراضی بود. گفت‌وگوهای ایالات متحده آمریکا با ایران که رقیب منطقه‌ای عربستان محسوب می‌شود و به‌خصوص توافق هسته‌ای آمریکا با ایران تا حدود زیادی موجبات دلخوری عربستان سعودی را فراهم کرده و این کشور را از ثبات تعهد آمریکا به حفظ امنیت عربستان ناامید کرده بود. به همین جهت بود که عربستان سعودی تصمیم گرفت روابط خود را با روسیه و چین که رقبای جهانی آمریکا محسوب می‌شوند،

گسترش دهد. تفاهات مکتوب میان دو طرف اکنون در مراحل پایانی تدوین هستند و طیف وسیعی از منافع استراتژیک طرفین نظیر توافقنامه دفاع متقابل، همکاری غیرنظامی هسته‌ای، همکاری در حوزه هوش مصنوعی و همکاری بلندمدت در زمینه انرژی را پوشش می‌دهند. این توافقات پای عربستان سعودی را بیش از گذشته به ائتلاف‌های جهانی به رهبری آمریکا باز می‌کند و باعث می‌شود که عربستان سعودی در عرصه‌هایی نظیر مشارکت برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت جهانی (PGII) و کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) که هر دو برای مقابله با ابتکار کمربند و جاده چین و نفوذ اقتصادی رو به رشد این کشور در نقاط مختلف جهان، تأسیس شده‌اند، نقش ایفا کند.

نگاه
تحلیلگر
۲

اسرائیلی (که تعداد آنها بیش از ۱۳۰ نفر است) را به تدریج آزاد می‌کند و در ادامه هر دو طرف برای برقراری «آرامش پایدار» در غزه تلاش می‌کنند. این شروط عمداً مبهم نشان‌دهنده اختلافات بین اسرائیل و حماس در مورد هدف توافق و آینده جنگ است. یک روز بعد از آن، ارتش اسرائیل کنترل گذرگاه مرزی رفح با مصر در سمت غزه را به دست گرفت. اما براساس گزارش روزنامه اسرائیلی هآرتس، اسرائیل به آمریکا و مصر گفته است که اهداف عملیاتی در رفح را به از بین بردن کنترل حماس بر گذرگاه مرزی محدود خواهد کرد. در این گزارش آمده است که پس از این عملیات، مصر، آمریکا و اسرائیل توافق کردند که یک شرکت امنیتی خصوصی ایالات متحده مسئولیت مدیریت گذرگاه را بر عهده بگیرد. واشنگتن این ادعاها را تأیید نکرده است، اما این سوال که چه کسی گذرگاه رفح را کنترل می‌کند، نماد مشکل بسیار بزرگ‌تر شرایط غزه پس از جنگ است. در پایتخت مصر، نمایندگان اسرائیل، حماس، ایالات متحده، قطر و مصر همچنان بر روی توافقی کار می‌کنند تا حداقل درگیری‌ها را متوقف کنند. هیئت آمریکایی به ریاست ویلیام برنز، مدیر سازمان سیا، در تمایل اسرائیل به پایان یافتن درگیری با نابودی حماس اشتراک نظر دارد، اما واقعیت این است که هزینه‌های انسانی جنگ واکتس شدیدی را در پایگاه دموکرات جو بایدن آن‌هم در کمتر از

خود را از دست داده‌اند. کنترل حماس بر غزه به شدت کاهش یافته و خلا سیاسی خطرناکی را ایجاد کرده که پر کردن آن دشوار خواهد بود. پیگیری اقدامات جنگی توسط اسرائیل باعث ایجاد اختلافات عمده بین دولت نتانیاهو و دولت بایدن شده است. هفته گذشته، کاخ سفید برای اولین بار از آغاز درگیری‌ها، ارسال محموله هزاران بمب هوشمند را از ترس اینکه اسرائیل در تهاجم برنامه‌ریزی شده‌اش به رفح از آنها استفاده کند، لغو کرده است. اسرائیل معتقد است که رفح آخرین پایگاه حماس است و باید این پایگاه را نیز نابود کند. مقامات آمریکایی که ترجیح می‌دهند ارسال تسلیحات به تعویق افتاده را «توقف» بنامند، نسبت به مذاکرات آتش‌بس که در قاهره برگزار می‌شود خوش‌بین هستند و می‌خواهند از هرگونه تشدید تنش و امکان ناکام ماندن توافق، اجتناب کنند. روز دوشنبه هفته گذشته، حماس با طرحی موافقت کرد که به موجب آن گروه‌های

فردای جنگ نزدیک می‌شود

خلع سلاح حماس کار دشواری است اما ایجاد ساختار جدید برای غزه به مراتب دشوارتر است



کامران بخاری

تحلیل‌گر ارشد اندیشکده
ژئوپلیتیکال فیوچرز